

به نام حق

نوآوری‌های ماهوی و شکلی قانون جدید حمایت از اطفال و نوجوانان

مرتضی تقی‌زاده زانوقی

دانشجوی مقطع دکتری حقوق کیفری و مدرس دانشگاه

اطفال و نوجوانان بخشی حساس و گسترده از اعضای هر جامعه را تشکیل می‌دهند. لازم است مخاطراتی که این گروه جمعیتی را تهدید می‌کند، شناسایی و برای مرتفع نمودن آن تدابیری اندیشیده شود. در سیاست جنایی ایران تا قبل از تصویب قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، در زمینه‌ی مواجهه‌ی بدون نقص و هوشمندانه در قبال این مخاطرات با فقدان قانونی جامع و پاسخ‌گو، بر پایه‌ی نیاز زمان روبرو بودیم. با تصویب قانون یادشده، ضمن تفکیک دوران طفولیت از نوجوانی و افتراقی کردن پاره‌ای اقدامات حمایتی برای هریک از این دو دسته، در زمینه‌ی سامان‌دهی وضعیت تحصیلی دانش آموزان ایرانی و غیرایرانی، ایجاد ضمانت اجرای کیفی در مورد کوتاهی مراقبین و محافظین اطفال و نوجوانان در انجام وظایف خود، تخصصی و تسامحی کردن بخش‌هایی از رسیدگی به جرایم علیه اطفال و نوجوانان و جلوگیری از توسعه دادن علل موجهه‌ی جرم به موارد کودک آزاری، مقرراتی وضع شده است. بدیهی است برنامه‌ریزی برای آموزش کسانی که در قانون برای آنان وظایفی پرشمرده شده است و همچنین وجود تعامل بین نهادهایی که در قانون تکالیفی را عهده‌دار شده‌اند، منجر به توفیق سیاست جنایی به منظور حمایت حداکثری کیفی و غیرکیفری از اطفال و نوجوانان بر پایه‌ی قانون جدید خواهد شد.

واژگان کلیدی: اطفال و نوجوانان در معرض خطر، حمایت ماهوی و شکلی، حمایت کیفی و غیرکیفری

مقدمه

اطفال و نوجوانان طیف وسیعی از افراد جامعه را تشکیل می‌دهند و به لحاظ وجود پاره‌ای از حساسیت‌ها از سوی اکثریت افراد جامعه، لازم است این گروه تحت حمایت‌های ویژه‌ای قرار بگیرند. در سیاست جنایی اکثر کشورها نسبت به پیشگیری از بزه دیده یا بزه‌کار شدن اطفال و نوجوانان، مقررات متنوع و مناسبی وجود دارد. در سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران علی‌رغم وجود مقررات پراکنده در زمینه‌ی حمایت از اطفال و نوجوانان در سال ۱۳۸۱ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان در قالب ۹ ماده به تصویب رسید. این قانون هرچند به صورت تخصصی به حمایت از اطفال و نوجوانان پرداخته بود اما دارای نواقص بسیار جدی بود که پاسخ‌گوی چالش‌های موجود در زمینه‌ی حمایت از اطفال و نوجوانان بزه دیده یا در معرض بزه‌دیدگی نبود. حمایت از اطفال و نوجوانان به این دلیل دارای اهمیت است که در مورد مرتکبین و قربانیان جرایم با کاهش سن روبرو هستیم و از اطفال و نوجوانان در این زمینه باید بیش‌ترین حمایت‌ها را داشته باشند. بزه‌دیدگی یا بزه‌کاری طفل و نوجوان بر دوران بزرگسالی او موثر است. آمارهای بزه‌کاری نشان می‌دهند که ارتکاب رفتارهای غیرقانونی در سنین بلوغ امری فراگیر است (غلامی، ۱۳۹۲، ص ۲۰۷) و این رفتار غیرقانونی که می‌تواند ناشی از بزه‌دیدگی باشد، در بزرگسالی در قالب مجرمیت نمود پیدا می‌کند. میزان وقوع جرایم بر حسب سن، جوان‌تر شده و بزه‌کاری و جرم از جوانان به نوجوانان به شدت در حال گسترش است. (رجبی پور، ۱۳۸۷، ص ۱۳۱)

از سویی افزایش موارد کودک‌آزاری و وجود خला‌های قانونی خیلی زود همگان، بالاخص قانون‌گذار را متوجه اهمیت موضوع کرد تا قانونی جامع‌تر را به تصویب برساند. اخباری که در رسانه‌ها در زمینه‌ی بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان منتشر می‌شد، احساسات عمومی را جریحه‌دار می‌کرد و صاحبان همین احساسات مطالبه‌ی بسیار جدی در زمینه‌ی تصویب لایحه‌ای را داشتند که علی‌رغم داشتن نقاط قوت، مدت طولانی در مجلس، به انتظار ابلاغ شدن نشسته بود زیرا در هر جامعه‌ای پدیدآورندگان قانون یک شخص یا یک مرجع خاص نیست بلکه یک نیاز

اجتماعی باعث به وجود آمدن قانون می‌شود. (بیگ زاده، ۱۳۸۷، ص ۱۲۳) ضرورت مسبوق بودن وضع قانون به نیاز را افلاطون این گونه بیان کرده است: "هیچ کس هیچ قانونی را به میل و اختیار خود وضع نمی‌کند. بلکه انواع پیشامدها در وضع قانون اثر دارند و اگر نیک بنگریم خواهیم دید که واضعان قانون پیشامدها هستند."

از آنجا که حمایت از نیازمندان، مظلومان و بالخاص بزه‌دیدگان که نوعاً نیازمند نیز می‌باشند، جزء ارزش‌های جوامع به حساب می‌آید، سیاست‌های جنایی نمی‌توانند با بی‌تفاوتی نسبت به چنین مسئله مهمی گذر کنند. (توجهی، ۱۳۷۸، ص ۲۸) بدیهی است اطفال و نوجوانان نیز به طریق اولی لازم است که تحت تدابیر حمایتی قرار بگیرند. در یک جامعه‌ی اخلاق مدار هرگز افراد جامعه بر خود بر نمی‌تابند که دولت‌ها نسبت به مسائل اطفال و نوجوانان بی‌تفاوت باشند. گاهی در جامعه‌ای عدم اقدامات به موقع، منجر به بروز بحران‌هایی می‌شود که دولت‌ها برای حل این بحران‌ها مجبورند بهایی گزاف را بپردازند. جامعه‌ی ایران دارای فرهنگی اسلامی می‌باشد و در دین اسلام به مقوله‌ی اطفال و نوجوانان و حقوق آنان توجه ویژه‌ای شده است. مذهب تأثیرات غیرقابل انکاری بر نگرش افراد جامعه در مورد چگونگی عملکرد حاکمیت دارد و افراد بر پایه احساسات مذهبی، انتظاراتشان را از حاکمیت مطالبه می‌کنند. در دین مبین اسلام کودک جایگاه ویژه‌ای دارد و این مکتب دستورات بسیار مهم و حساسی را در زمینه‌ی برخورد با کودک و رعایت حقوق همه جانبه وی به والدین ارائه می‌دهد که هدف تمام آنها توجه خاص به کودک و تاکید بر اهمیت دوران کودکی می‌باشد. (چاووشی، کرامتی معز، ۱۳۹۷، ص ۱۵۷) وقوع حوادثی از جمله تنبیه بدنی دانش آموزان در مدرسه، تجاوز به پاره‌ای کودکان و حتی قتل پاره‌ای از اطفال و نوجوانان حساسیت‌ها را بیشتر کرد و پیشروان این انتظار عمومی و به حق، پژوهش‌گران حقوق کیفری و اساتید مرتبط در حوزه‌ی اطفال و نوجوانان بودند تا این که لایحه‌ی حمایت از اطفال و نوجوانان که چندین سال معطل مانده بود، مجدداً مورد توجه قرار گیرد. بالاخره قانون یاد شده در اردیبهشت ۱۳۹۹ به تصویب رسید که نسبت به قانون پیشین خود نوآوری‌های قابل توجهی دارد. این قانون دارای ۵۱ ماده و ۱۵ تبصره می‌باشد که از لحاظ افزایش مواد تفاوت فاحشی نسبت به قانون پیشین دارد. هم‌چنین به لحاظ ماهوی و شکلی نیز این قانون دست‌آوردهای قابل تحسینی

دارد و در این پژوهش، هدف بررسی تغییرات کیفی قانون و فرصت‌های در پیش رو می‌باشد تا نقاط قوت قانون تقویت و احیاناً نقاط منفی آن مرتفع گردد. در این قانون تدابیر مختلفی هم به صورت کیفری و هم غیرکیفری اندیشیده شده است تا علاوه بر محاکم و ضابطان، دستگاه‌های فرهنگی و اجتماعی در سطح کشور نیز تکالیفی در زمینه‌ی حمایت از اطفال و نوجوانان داشته باشند. برای مثال تمامی افرادی که به نوعی با اطفال و نوجوانان درگیر هستند دارای تکالیف قابل توجهی می‌باشند و لازم است در صورت کوتاهی در انجام تکالیف مربوط به مراقبت یا محافظت، به‌نحو شایسته با ایشان برخورد شود. برای مثال از زمانی که کودک به مدرسه یا مهدکودک پا می‌گذارد تحت مراقبت و نظارت کارکنان این نهادها می‌باشد و تا پایان دوره متوسطه دوره دوم باید مورد توجه نهاد تعلیم و تربیت باشد. معمولاً اطفال و نوجوانان در دوران قبل از ۱۸ سالگی عمدتاً با خانواده و مدرسه در ارتباط هستند و لازم است که برای این افراد به صورت صریح وظایفی همراه با ضمانت‌اجراهی محکم برشمرده شود. بدیهی است هرگاه قانونی بدون ضمانت اجرا باشد فقط به صورت یک ارشاد باقی می‌ماند. البته بر همگان واضح است که صرف قراردادن ضمانت اجرا در مورد یک قانون، لزوماً اجرای کامل و بدون نقص آن را تضمین نمی‌کند. برای اجرای مناسب یک قانون بالاخص قانونی در حوزه‌ی اطفال و نوجوانان لازم است برای متولیان آن نیز دغدغه‌ی خاطر وجود داشته باشد. یعنی متولیان اجرای قانون علاوه بر توجه به مفاد قانون، باید بر مبنای اخلاق و اصول انسانی در مورد حمایت از اطفال و نوجوانان اقدام کنند. نهایتاً این که قانون جدید برای دستگاه‌های مختلف وظایفی برشمرده شده است (که با فلسفه‌ی حمایت از اطفال و نوجوانان کاملاً سازگار است)، لذا در ابتدا واژگان به کار رفته در قانون تعریف شده‌اند تا راه تفاسیر مختلف و احیاناً تکلیف‌گریزی اشخاص حقیقی و حقوقی مرتبط با قانون مسدود شود.

۱- نوآوری‌های ماهوی قانون

قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ دارای نوآوری‌های قابل توجهی می‌باشد و فرصت‌های بسیار مناسبی را در زمینه‌ی حمایت از اطفال و نوجوانان ایجاد کرده است و البته لازم است به موازات گذر زمان و اجرای

مفاد قانون، چالش‌های آن نیز هرچه سریع‌تر شناسایی و در جهت رفع آن اقدامات لازم صورت پذیرد. در ادامه این نوآوری‌ها معرفی و مورد تحلیل قرار می‌گیرند. البته بررسی کامل قانون نیازمند مقالات و سطور بیشتری می‌باشد که از حوصله و وظیفه‌ای پژوهش خارج است. نگارنده بیشتر به بررسی آن دسته از نوآوری‌ها می‌پردازد که اثربخشی بیشتری در حوزه‌ی حمایت از اطفال و نوجوانان دارند.

۱-۱- تفکیک سن در مورد اطفال و نوجوان تحت شمول قانون

در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ و طبق ماده ۱ آن، کلیه اشخاصی که به سن هجده سال تمام هجری شمسی نرسیده بودند از حمایت‌های قانونی مذکور قانون بهره‌مند می‌شدند و در این قانون تفکیکی بین سن طفولیت و نوجوانی نبود. این نقیصه در قانون جدید مرتفع شده است. در ماده ۱ قانون جدید، واژگان به کار رفته شده تعریف شده‌اند. طبق بندهای الف و ب ماده ۱ طفل به هر فردی گفته می‌شود که به سن بلوغ شرعی نرسیده است و نوجوان، هر فرد زیر هجده سال کامل شمسی است که به سن بلوغ شرعی رسیده است. یعنی در مورد سن طفولیت بدون ذکر حداقل سن، رسیدن به سن بلوغ را پایان دوره طفولیت و در مورد نوجوانی، آغاز آن را بر پایه سال قمری ولی پایان آن را بر پایه سال شمسی تعریف کرده است.

در مقررات مختلفی که حمایت‌هایی از اطفال و نوجوانان را در بر گرفته اند سن خاصی را جهت شمول ذکر کرده‌اند که متفاوت با سن مذکور در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان می‌باشد. برای مثال در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست و به موجب ماده ۹ این قانون کلیه کودکان و نوجوانان نابالغ و نیز افراد بالغ زیر شانزده سال که به تشخیص دادگاه، عدم رشد و یا نیاز آنان به سرپرستی احراز شود و واجد شرایط مذکور در ماده (۸) این قانون باشند، مشمول مفاد این قانون می‌گردند. این قانون حمایت خود را منوط به کمتر بودن از سن ۱۶ سالگی فرد مشمول بهره‌مندی از حمایت‌های مربوط به سرپرستی کرده است. همچنین در ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی عقد نکاح دختر قبل از رسیدن به سن ۱۳ سال تمام شمسی و پسر قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام

شمسی منوط است به اذن ولی به شرط رعایت مصلحت با تشخیص دادگاه صالح. در قانون کار به موجب ماده ۷۹ نوجوان به کسی گفته می شود که ۱۵ تا ۱۸ سال داشته باشد و به کار گماردن افراد کمتر از ۱۵ سال را ممنوع کرده است. همچنین بر پایه ماده ۴۶ قانون حمایت خانواده حضور کودکان زیر پانزده سال در جلسات رسیدگی به دعاوی خانوادگی جز در موارد ضروری که دادگاه تجویز می کند، ممنوع است. یعنی قانون اخیرالذکر تعریف کودکان را تا سن ۱۵ سال توسعه داده است. زیرا بعید به نظر می رسد که اطلاق این ماده تعریف کودک بر معنای سن شرعی بلوغ مورد توجه قرار داده باشد و از این طریق خواسته باشد بین پسر و دختر تفاوت قائل شده باشد. شاید این تفاوت در تبیین سن های مختلف برگرفته از آموزه های تربیتی و روان شناسی باشد. در پاره ای کتب معمولاً از آغاز تولد تا حدود ۱۲-۱۳ سالگی را دوران کودکی می نامند. (سادات، ۱۳۷۲، ص ۲۷) البته بر دانش آموختگان رشته ی حقوق پوشیده نیست که ادبیات تخصصی و واژگان حقوقی معنای متفاوت از سایر علوم دارند و در اجرای قوانین نیز تعریف حقوقی واژگان ملاک می باشد. به همین دلیل در جهت پیشگیری از ارائه ی تفاسیر مختلف در ابتدای پاره ای قوانین، تعریف حقوقی واژگان به کار رفته در قانون ارائه می شود. هر چند این تفاوت های در شناسایی سن، در مقررات مختلف هر کدام در مجرای خود اجرا می شوند و مشکل چندانی را در عمل ایجاد نمی کنند ولی شایسته است که یک سن ثابت برای دوران کودکی و نوجوانی در نظر گرفته شود و همین معیار ثابت به عنوان اصل در سایر مقررات نیز به کار گرفته شود.

فارغ از این تفاوت ماهوی در تعریف سن در مقررات مختلف حمایتی، در رابطه با سن کودکی (طفولیت) و نوجوانی ذکر دو نکته لازم است:

الف- در قانون حمایت از اطفال نوجوانان منظور از طفل هر فردی است که کمتر از سن بلوغ شرعی داشته باشد. با توجه به این که تعداد روزهای سال قمری و سال شمسی متفاوت است، مخاطبین قانون باید بر این امر متوجه باشند. برای مثال ۱۵ سال قمری معادل ۱۴ سال و ۷ ماه شمسی می باشد. این تفاوت در مواردی که قانون گذار بین این دو دسته تفکیک قائل شده است دارای اهمیت می باشد. برای مثال طبق بند ۳ ماده ۳ در صورت ارتکاب

رفتار خلاف قانون، رفتار طفل نقض قوانین جزایی دانسته شده است و در صورتی که از سوی نوجوان باشد ارتکاب جرم نام دارد که به عنوان وضعیت مخاطره آمیز شناخته می‌شود. هم‌چنین طبق این قانون سازمان زندان‌ها مکلف شده است نسبت به نگهداری جداگانه اطفال از نوجوانان اقدام کند. هم‌چنین هرگاه در قانون واژه نوجوان به کار رفته است باید همان تعریف ارائه شده از نوجوان را ملاک بدانیم. برای مثال در صورتی که مرتکب جرائم موضوع ماده ۲۲ قانون، یک نوجوان باشد، موارد تشدید مجازات نسبت به وی اعمال نمی‌شود. پس باید همان سن ۱۸ سال کامل را ملاک عمل بدانیم نه احیاناً سن ذکر شده در سایر قوانین.

ب- نکته‌ی دیگر که کاملاً ظریف است و خوشبختانه قانون‌گذار به آن توجه داشته است بیان ۱۸ سال کامل برای سن نوجوانی است. یعنی این که قانون‌گذار به تفاوت بین سن ۱۸ سال و ۱۸ سال تمام کاملاً توجه داشته است. بر پایه نظریه‌ی مشورتی مورخ ۹۲/۶/۲ منظور از ۱۸ سال تمام کسی است که ۱۲ ماه از ورود سنش به ۱۸ سالگی گذشته باشد و لذا کسی که ۱۲ ماه از ورود سنش به ۱۷ سالگی گذشته را نمی‌توان ۱۸ سال تمام دانست. طبق مفاد این نظریه‌ی مشورتی، می‌توان چنین تبیین کرد که محض رسیدن فرد به ۱۸ سال، دلیلی برای عدم مشمول فرد نمی‌شود و لازم است که از زمان رسیدن به ۱۸ سال، ۱۲ ماه بگذرد تا بگوییم فرد ۱۸ سال کامل دارد. همان‌طور که محرز است بین سن ۱۸ سال و ۱۸ سال کامل تفاوت قابل توجهی وجود دارد.

۱-۲- افزایش سن حمایت تحصیلی

یکی از نهادهای اجتماعی که بعد از نهاد خانواده در جامعه‌پذیری و اجتماعی کردن افراد نقش غیرقابل انکاری دارد نهاد آموزش و پرورش است. این نهاد به دلیل دسترسی آسان به گروه هدف، استمرار حضور افراد در مدارس از مقطع پیش‌دبستانی تا پایان دوره دوم متوسطه، در اختیار داشتن نیروی انسانی متخصص، ارتباط مستمر اولیاء با مدارس و اعتماد مردم به مدارس دارای حائز اهمیت است. (موسوی چلک، ۱۳۸۵، ص ۱۰) بنابراین باید تا حد امکان حضور گسترده دانش‌آموزان و تحصیل ایشان فراهم شود.

در قانون سابق طی ماده ۴ فقط ممانعت از تحصیل کودکان جرم انگاری شده بود. هم‌چنین طبق قانون تأمین وسائل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی برای ممانعت از تحصیل تا دوره راهنمایی جرم انگاری لازم صورت

گرفته بود و در مورد دوره متوسطه یا دبیرستان صرفاً ارشادهایی صورت گرفته بود. در عمل نیز کارشناسان حقوقی در ادارات آموزش و پرورش مناطق و شهرستان‌ها، فقط وضعیت دانش‌آموزانی که تا پیش از اتمام دوره راهنمایی ترک تحصیل داده می‌شدند را پیگیری قضایی می‌نمودند. در قانون جدید حمایت از اطفال و نوجوانان سن حمایت تحصیلی تا پایان دوره مدرسه ادامه یافته است. طبق ماده ۷ هر یک از والدین، اولیاء یا سرپرستان قانونی طفل و نوجوان و تمام اشخاصی که مسئولیت نگهداری، مراقبت و تربیت طفل را برعهده دارند، چنانچه برخلاف مقررات قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی مصوب ۳۰/۴/۱۳۵۳ از ثبت نام و فراهم کردن موجبات تحصیل طفل و نوجوان واجد شرایط تحصیل تا پایان دوره متوسطه امتناع کنند یا به هر نحوی از تحصیل او جلوگیری کنند، به انجام تکلیف یادشده و جزای نقدی درجه هفت قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شوند. در این قانون با توجه به اطلاق واژه‌ی دوره تحصیلی می‌توان گفت منظور از پایان دوره متوسطه مربوط به متوسطه دوره دوم می‌باشد. یعنی از تاریخ لازم الاجرا شدن قانون ادارات حقوقی باید هر دانش‌آموز کمتر ۱۸ سال کاملی که ترک تحصیل کرده است (فارغ از مقطع تحصیلی) را مورد حمایت قضایی قرار دهند.

اینکه قانون‌گذار دامنه‌ی سن حمایت تحصیلی را تا پایان دوره متوسطه دوره دوم افزایش داده است بی‌دلیل نیست زیرا مقطع متوسطه دوره دوم اهمیت قابل توجه و ویژگی‌هایی مختص به خود دارد.

اهمیت مقطع تحصیلی متوسطه دوره دوم زمانی مشخص می‌شود که به این موضوع توجه داشته باشیم که بعد از پایان دوره متوسطه اول، دانش‌آموزان ضمن انتخاب رشته تحصیلی، آینده‌ی خود را می‌سازند. در صورتی که الزام به تحصیل تا پایان دوره متوسطه اول باشد دیگر بحث افزایش رشته‌های فنی و حرفه‌ای و کار دانش سالبه به انتفاء موضوع خواهند بود. زیرا در صورت ترک تحصیل دیگر الزامی برای حضور دانش‌آموزان وجود ندارد. اما هرگاه تحصیل تا پایان دوره متوسطه دوره دوم اجباری شود دانش‌آموزان در قالب فرآیند هدایت تحصیلی می‌توانند در هنرستان‌ها حضور پیدا کنند و مهارت‌های لازم را فرا بگیرند. در سال‌های اخیر تلاش‌هایی بسیار زیادی برای هدایت دانش‌آموزان به رشته‌های فنی-حرفه‌ای صورت گرفته است و متخصصین این امر دریافته‌اند که توجه بیش از حد دانش‌آموزان و خانواده‌ها به رشته‌های غیرفنی مخصوصاً ترویج بیش از اندازه رشته‌های علوم انسانی

باعث شده است که یک طبقه غیرفعال در جامعه رشد پیدا کند. (سلیمانی پورلک، حسین پور، ۱۳۹۴، ص ۱۳۰) بنابراین این امر بسیار محتمل است که با الزامی کردن تحصیل در دوره دوم متوسطه فرد با انتخاب رشته در هنرستان‌های فنی - حرفه‌ای و کاردانش، تحصیل خود را ادامه دهد.

نکته‌ی دیگر این که برخلاف دانشگاه‌ها که برای پذیرش دانشجویان حداکثر سنی نمی‌شناسند، در مدارس به لحاظ اهمیت همگن بودن سن دانش آموزان در یک پایه‌ی تحصیلی، برای هر مقطع تحصیلی حداقل و حداکثر سنی را در نظر می‌گیرند. بنابراین در صورتی که فرد از سن نوجوانی (۱۸ سال تمام) گذر کند نه تنها دیگر مشمول قانون نیست بلکه در مدارس روزانه (عادی) نیز ممکن است به دلیل نداشتن شرط سنی پذیرفته نشود و مجبور باشد در مدارس بزرگسال یا مراکز آموزش از راه دور ادامه تحصیل بدهد. این در حالی است که در بسیاری از مناطق روستایی چنین مراکزی وجود ندارند و هرگاه دانش‌آموز ترک تحصیل کند و در این زمینه مورد حمایت قرار نگیرد این موضوع می‌تواند به ترک تحصیل ابدی او منجر شود. حال اگر مفاد قانون در مورد الزام به تحصیل تا پایان دوره دوم متوسطه اجرا شود اطفال و نوجوانان می‌توانند در مدارس روزانه (عادی)، که در سرتاسر کشور وجود دارند، تحصیل خود را به پایان برسانند.

یکی دیگر از نوآوری‌های قانون این است که در مواردی که خود دانش‌آموز ترک تحصیل کرده است تدابیر لازم را اندیشیده است. توضیح آن که قانون سابق فقط به ممانعت از تحصیل اشاره کرده بود و این در حالی بود که در پاره‌ای از پرونده‌ها، جرم ممانعت از تحصیل واقع نشده بود. یعنی کسی مانع تحصیل این افراد نمی‌شد و خود کودک یا نوجوان رغبتی به ادامه تحصیل نداشت. طبیعتاً در این موارد که جرمی روی نداده است کارشناسان حقوقی وظیفه‌ای به طرح شکایت کیفری نداشتند و در عمل نیز پیگیری ادامه‌ی تحصیل دانش‌آموز، بعد از چندبار تماس تلفنی مدیر یا حضور در منزل دانش‌آموز جهت توجیه و ترغیب طفل یا نوجوان به ادامه تحصیل متوقف می‌شد. در فضای مدرسه لازم است که تعامل موثر و مستمری بین اولیاء مدرسه و والدین دانش‌آموز برقرار باشد. بدون همکاری والدین، معلمان در غنا بخشیدن به زندگی کودکان و نوجوانان کمتر موفق هستند. امروزه کاملاً ثابت شده است که تلاش برای درک اعمال اطفال و نوجوانان به تنهایی و بدون بررسی زمینه‌ی خانوادگی، که در

آن زندگی می‌کنند بی‌فایده است. (جفری کاتلر و الن کاتلر، ۱۳۸۶، ص ۱۸۶) پس هرگاه والدین نسبت به تحصیل فرزندان خود بی‌تفاوت باشند بدون این که ممانعتی در این باره به عمل آورند، کارشناسان حقوقی ادارات آموزش و پرورش نمی‌توانستند اقدام قابل توجهی انجام دهند.

در قانون جدید برای این گونه موارد نیز پیش‌بینی‌های لازم اندیشیده شده است. وزارت آموزش و پرورش مکلف شده است موارد عدم ثبت نام و موارد مشکوک به ترک تحصیل اطفال و نوجوانان تا پایان دوره متوسطه را به سازمان بهزیستی کشور و یا دفتر حمایت از اطفال و نوجوانان قوه قضائیه اعلام نماید تا حسب مورد اقدامات لازم انجام گیرد. بنابراین سازمان بهزیستی و یا دفتر حمایت از اطفال و نوجوانان باید به طور جدی ورود کنند و نهاد آموزش و پرورش را یاری رسانند.

هم‌چنین در صورت ثبت نام دانش‌آموز و عدم رعایت مقررات در مورد حضور در مدرسه، برخلاف قانون گذشته، تدابیر حمایتی مناسبی اندیشیده شده است. بر پایه ماده ۳ فرار مکرر از خانه یا مدرسه و ترک تحصیل از سوی طفل یا نوجوان به عنوان وضعیت مخاطره‌آمیز محسوب شده و موجبات مداخله و حمایت قانونی از طفل و نوجوان را ایجاد می‌کند.

۱-۳- جرم انگاری های ناشی از بی احتیاطی مسئولین نگهداری و مراقبت

تا قبل از تصویب قانون حمایت از اطفال و نوجوانان کلیه کسانی که وظیفه‌ی مراقبت و نگهداری از طفل یا نوجوان را برعهده داشتند در صورت وقوع جنایت ناشی از بی‌احتیاطی فقط به پرداخت دیه محکوم می‌شدند و فقط در مواد ۷۱۴ و ۷۱۵ قانون مجازات اسلامی، دیه در کنار تعزیر برای پاسخ به جنایات ناشی از سهل‌انگاری (تقصیر) پیش‌بینی شده بود. در مورد سایر جنایات عمدی کمتر قتل به موجب ماده ۴۸۸ همان قانون دیه (اعم از مقدر یا غیرمقدر) پیش‌بینی شده بود. به موجب ماده ۹ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان هرگاه در اثر بی‌توجهی و سهل‌انگاری اشخاص غیر از والدین نسبت به اطفال و نوجوانان نتایجی همچون فقدان یا نقصان یکی از حواس یا منافع و یا جراحت سر و صورت و یا گردن واقع شود، مقصر علاوه بر پرداخت دیه به مجازات تعزیری حبس نیز محکوم می‌شود.

با توجه به اطلاق این مواد در مورد بروز حادثه تفاوتی نمی‌کند که فرد مراقب، مستخدم دولت باشد یا در مدارس غیردولتی مشغول به کار باشد. همچنین این کیفرها شامل حال هر یک از کارکنان مدرسه می‌باشد و شبیه پاره‌ای مقررات سابق نیست که فقط مدیر مدرسه را مسئول می‌دانستند. بنابراین هرگاه جنایت حاصله ناشی از سهل انگاری هر یک از کارکنان مدرسه باشد، فرد مقصر باید پاسخ‌گوی نتیجه‌ی رفتار خود باشد که از تقصیر یا قصور او ناشی شده است.

پیش‌تر در قوانینی از جمله آیین‌نامه‌ی اجرایی مدارس به وظیفه‌ی مراقبت از اطفال و نوجوانان توجه شده بود ولی این تدابیر فاقد پاسخ‌های قهری بود و صرفاً به صورت جملاتی ارشادی و تأکیدی به کار رفته بودند. در فصل چهارم این آیین‌نامه با عنوان شرایط بهداشتی و ایمنی مدارس، مدیران مدارس ملزم شده‌اند ضمن رعایت موارد ایمنی در مدارس در ابتدای سال تحصیلی نسبت به بیمه نمودن دانش‌آموزان در قبال حوادث احتمال اقدام کنند و در خصوص چگونگی استفاده از مزایای آن دانش‌آموزان و خانواده آنان را راهنمایی نمایند.

در شیوه‌نامه ایمن سازی فضا و تجهیزات ورزشی مدارس کشور نیز نکات ایمنی در مورد برگزاری درس تربیت‌بدنی در مدارس تدوین شده است و در بند ۱ شیوه‌نامه، عدم رعایت هر یک از اصول ایمنی موجب مسئولیت دانسته شده است. در دستورالعمل برگزاری اردوهای دانش‌آموزی نیز در مقابل حوادث احتمالی مقرراتی در مورد الزامی بودن بیمه‌ی درمان و حوادث برای دانش‌آموزان، رعایت موارد فنی در مورد وسیله نقلیه، زمان و مکان برگزاری اردوها و... تدوین شده است که این دستورالعمل هم مانند سایر مقررات حوزه‌ی آموزش و پرورش فقط به ذکر تدابیر پیشگیرانه اکتفاء کرده است و رویکرد قهرآمیز ندارد و در مورد ضمانت اجرای کیفری چنین حوادثی به مقررات عام حقوق جزا توجه می‌شد که در مواردی بازدارندگی لازم را نداشتند. در مقررات مربوط به فعالیت‌های دانش‌آموزی، افراد تحت پوشش بیمه حوادث یا بیمه مسئولیت درمانی قرار می‌گرفتند که در صورت وقوع حادثه، بیمه‌گر موظف به پرداخت دیه‌ی جنایات بود و شاید عملاً مقررات ارباب لازم را در جهت تشدید امر مراقبت نسبت به دانش‌آموزان نداشتند.

هرچند ممکن است چنین بیان شود که سهل انگاری توسط مدیر یا معلم مربوطه نوعی تخلف اداری است و به موجب ماده ۸ قانون رسیدگی به تخلفات اداری مرتکب به هیات معرفی می‌شد اما در هیات نیز صرفاً پاسخ‌های انضباطی به فرد متخلف داده می‌شد و پاسخ‌های کیفری عملاً منتفی بود. اما اینک با وجود مقررات قابل قبول در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، از این پس تمامی کسانی که به نوعی وظیفه‌ی مراقبت و نگهداری اطفال و نوجوانان را بر عهده دارند در صورت بی‌توجهی و سهل‌انگاری، با توجه به جنایت واقعه به مجازات تعزیری متناسب با نتیجه‌ی حاصله از رفتار خود محکوم می‌شوند. به دلیل همین تشدید مجازات‌ها است که در خود قانون، وزارت آموزش و پرورش موظف شده است که برای آموزش مدیران و کارکنان آموزشی و اداری در زمینه حقوق اطفال و نوجوانان برنامه‌ریزی‌های لازم را انجام دهد. زیرا از تاریخ اجرای قانون جدید حمایت از اطفال و نوجوانان هرگونه کوتاهی در انجام وظایف که منجر به ایجاد آسیب برای دانش آموزان شود موجب محکومیت به پرداخت دیه و مجازات تعزیری مناسب خواهد شد.

۱-۴- حل مشکلات مربوط به اطفال و نوجوانان فاقد اسناد سجلی

در مورد اطفال و نوجوانان فاقد مدارک هویتی باید بین اطفال و نوجوانان ایرانی و غیرایرانی تفکیک قائل شویم و هر کدام را به صورت مجزا بررسی کنیم.

الف- اطفال و نوجوانان ایرانی فاقد مدارک هویتی

در کشور ایران حدود ۵۰۰۰۰ کودک یا نوجوان بدون شناسنامه وجود دارد. کودکان فاقد شناسنامه در زمینه‌ی ثبت‌نام در مدارس یا برخوردار شدن از بیمه‌های درمان دچار مشکل می‌شوند. هرچند دانش‌آموزان فاقد شناسنامه می‌توانند از پاره‌ای ارفاق‌های مربوط به ادامه تحصیل برخوردار شوند اما این ارفاق‌ها مشکل آنان را به صورت ریشه‌ای حل نمی‌کند. به موجب مقررات آموزش و پرورش مدیران مدارس می‌توانند در موارد استثنایی با اخذ تعهد کتبی از ولی دانش‌آموزی که فاقد شناسنامه و مدارک تحصیلی است از وی بصورت مشروط حداکثر برای مدت یک ماه ثبت نام نماید. ادامه تحصیل این قبیل دانش‌آموزان در صورت عدم ارائه مدارک هویتی و تحصیلی

منوط به موافقت کمیسیون خاص اداره آموزش و پرورش خواهد بود. هرچند در موارد بسیار زیاد کمیسیون‌های خاص در ادارات آموزش و پرورش با ادامه تحصیل این قبیل دانش آموزان موافقت می‌کنند اما در هر صورت دانش‌آموز موظف است برای ثبت‌نام قطعی و درج مشخصات وی در دفتر آمار تا قبل از اولین نوبت امتحانی مدارک هویتی و تحصیلی خود را به مدرسه تسلیم کند.

مشکل اصلی اطفال و نوجوانان فاقد مدارک هویتی این است که دلیل اصلی نداشتن شناسنامه و سایر مدارک هویتی به این موضوع بر می‌گردد که والدین بی‌تفاوتی دارند و آنها نیز نسبت به دریافت مدارک هویتی کاملاً بی‌تفاوت هستند. برای مثال اعتیاد والدین و بی‌توجهی آنان نسبت به اخذ مدارک یکی از عواملی است که باعث می‌شود فرزندان این نوع از خانواده‌ها فاقد مدارک هویتی باشند.

معمولاً در رویه‌ی ادارات آموزش و پرورش نیز عملاً اقدامی فراتر از معرفی طفل یا نوجوان به نهادهای حمایتی وجود ندارد. خوشبختانه در قانون جدید حمایت از اطفال و نوجوانان این نقیصه مرتفع شده است. توضیح آن که به موجب ماده ۶ وزارت کشور موظف شده است که با همکاری دستگاه‌های ذی‌ربط نسبت به شناسایی اطفال و نوجوانان فاقد اسناد سجلی یا هویتی و معرفی آنان حسب مورد به نهادهای حمایتی، آموزشی، درمانی یا قضائی جهت اقدامات حمایتی اقدام کند. بدیهی است دانش آموزان می‌توانند با این حمایت‌ها نسبت به اخذ شناسنامه یا سایر اوراق هویتی خود اقدام کنند.

ب-دانش آموزان غیرایرانی فاقد مدارک هویتی

در تمامی سیاست‌های جنایی موفق در عرصه‌ی پیشگیری از جرایم به پدیده‌ی مهاجرین و آسیب‌های ناشی از حضور اتباع سایر کشورها توجه شده است. مهاجرینی که در کشور دیگری حضور می‌یابند با فرهنگی متفاوت از فرهنگ کشور مبدا خود مواجه می‌شوند. این برخورد فرهنگی می‌تواند مشکلاتی را ایجاد کند. از سویی مهاجران در کشور میزبان در شرایط مساعدی به سر نمی‌برند. منابع درآمد آنان بسیار محدود است و به همین جهت اغلب فرزندان آنان باید وضع ثابت و توأم با محرومیت را تحمل کنند. (کی‌نیا، ۱۳۸۶، ۲۵۵) بنابراین هم در جهت آموزش

اتباع برای چگونه زیستن در کشور میزبان و هم مهیا کردن شرایط تحصیلی ایشان، باید در هر کشوری مقررات مناسبی وجود داشته باشد. در قانون جدید حمایت از اطفال و نوجوانان نیز در مورد لزوم حمایت از این گونه اطفال یا نوجوانان تدابیری اندیشیده شده است. به موجب ماده ۳ هرگونه وضعیت زیانبار ناشی از فقر شدید، آوارگی، پناهندگی، مهاجرت یا بی‌تابعیتی به عنوان وضعیت مخاطره آمیز قلمداد شده است که مداخله‌ی فوری را می‌طلبد. بنابراین قانون یاد شده تمامی اطفال و نوجوانان مقیم در مرزهای جمهوری اسلامی را شامل می‌شود. برای تمهید مقدمات و شرایط لازم جهت ادامه تحصیل اتباع بیگانه یا حتی افراد فاقد تابعیت، قانون جدید حمایت از اطفال و نوجوانان تدابیر قابل توجهی را اتخاذ نموده است.

البته دانش‌آموزان غیرایرانی یا بدون تابعیت لازم است حتماً در زمان ثبت نام در مدارس مدارک هویتی را داشته باشند و در صورت نبود مدارک مربوطه امکان ثبت نام و ادامه تحصیل برای ایشان وجود ندارد. حتی ارفاق‌هایی که برای دانش‌آموزان ایرانی فاقد شناسنامه پیش‌بینی شده است در مورد این قبیل دانش‌آموزان قابل اعمال نیست. مشکل مهم‌تر در مورد دانش‌آموزانی است که دارای مادر ایرانی و پدر غیرایرانی هستند. با توجه به مقررات موجود در مورد فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی و مردان غیرایرانی این فرزندان دارای تابعیت پدرشان می‌باشند که البته تعداد این قبیل اطفال و نوجوانان نیز کم نیست. البته دسته‌ی اخیر می‌توانند از مفاد قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی استفاده نمایند. اما در صورتی که این قبیل اطفال یا نوجوانان شرایط مذکور در قانون یاد شده را نداشته باشند یا دارای والدین غیرایرانی باشند (پدر و مادر غیرایرانی) می‌توانند از حمایت‌های قانون جدید حمایت از اطفال و نوجوانان برخوردار شوند.

وزارت کشور موظف شده است از طریق سازمان ثبت احوال کشور با همکاری سایر نهادهای مربوط و با در نظر گرفتن اقامتگاه اشخاص و تغییرات آن هر سال حداقل سه ماه پیش از آغاز سال تحصیلی جدید اسامی و نشانی اطفال و نوجوانان ایرانی و غیرایرانی را که به سن قانونی تحصیل رسیده‌اند، به تفکیک مناطق به آموزش و پرورش

اعلام کند. بدیهی است فراهم کردن شرایط تحصیل برای اطفال فاقد مدارک هویتی منجر به کاهش یا پیشگیری از بزه‌دیدگی و بزهکاری اطفال و نوجوانان می‌گردد.

۱-۵- جرم انگاری خشونت های مستمر والدین

تنبیه اطفال توسط اولیاء هم ابعاد حقوقی و هم ابعاد تربیتی دارد. برای مثال، در بُعد تربیتی باید توجه نمود که تنبیه در مراحل اولیه، پنهانی و دور از نظر دیگران باشد تا موجب شکست شخصیت کودک نشود و عکس‌العمل منفی به دنبال نداشته باشد. (فرقانی، ۱۳۷۹ ص ۱۰۹) و یا به اثربخشی و ضرورت تنبیه و تناسب آن با رفتار ارتكابی طفل توجه شود.

در بُعد حقوقی علی‌الاصول تنبیه اطفال و نوجوانان توسط هرکس و به هر قصدی باشد دارای عنوان مجرمانه است. هرچند پاره‌ای اوقات تنبیه از سوی معلم یا مربی به منظور تادیب می‌باشد اما رفتار جرم و در صورت تعزیری بودن کیفر، فقط می‌تواند به دلیل داشتن انگیزه‌ی شرافتمندانه موجبات تخفیف را به دنبال داشته باشد.

تنها علل موجهه در باب تنبیه اطفال و نوجوانان ماده‌ی ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی می‌باشد. به موجب بند ت این ماده اقدامات والدین و اولیای قانونی و سرپرستان صغار و مجانین که به منظور تأدیب یا حفاظت آنها انجام می‌شود، مشروط بر اینکه اقدامات مذکور در حد متعارف و حدود شرعی تأدیب و محافظت باشد، قابل مجازات نیست. به استناد این ماده اولیاء و سرپرستان اطفال نافرمان می‌توانند آنان را در حدود متعارف تعلیم و تربیت تنبیه و یا از پاره‌ای آزادی‌ها محروم کنند بدون این که این اقدام جرم شمرده شود. (اردبیلی، ۱۳۹۴، ص ۲۶۰)

بنابراین تنبیه فرزندان توسط اولیاء مقید به شروطی شده است که در صورت عدم رعایت هریک از شرط‌های یاد شده رفتار فرد عنوان مجرمانه به خود می‌گیرد. طبق قانون حمایت از اطفال و نوجوانان خشونت مستمر والدین، اولیاء، سرپرستان قانونی در صورتی که به بزه‌دیدگی طفل یا نوجوان منجر شود وضعیت مخاطره‌آمیز قلمداد شده و موجب حمایت‌های قانونی از طفل یا نوجوان می‌شود. بنابراین بعید به نظر می‌رسد خشونت مستمر را بتوان در قالب ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی گنجانند. زیرا جهت زائل نمودن عنصر قانونی در ماده ۱۵۸ اقدامات والدین باید به منظور تادیب یا محافظت باشد در حالی استمرار خشونت قطعاً نمی‌تواند دارای انگیزه یا اثر تربیتی باشد.

خشونت مستمر دیگر رفتار متعارف و معقول شناخته نمی‌شود. بنابراین با توجه به ضرورت حمایت از اطفال و نوجوانان و پیشگیری از بزه‌دیدگی ایشان لازم است در مورد علل موجهه‌ی مذکور در بند ت ماده ۱۵۸ به قدر متیقن اکتفا نمود و از گسترش دایره‌ی مصادیق آن ممانعت به عمل آورد.

۱-۶- تقسیم وظایف برای هریک از نهادهای درگیر با اطفال و نوجوانان

حمایت از اطفال و نوجوانان می‌تواند در دو بخش پیشگیری از بزهکار یا بزه‌دیده شدن ایشان مورد بررسی قرار بگیرد. نهادهای متنوعی در عرصه‌ی پیشگیری از بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان وظایفی بر عهده دارند. همچنین قانون‌گذار ایرانی و نویسندگان شماری از مقررات فروتقنینی، وظیفه‌ی پیشگیری از بزهکاری را به پاره‌ای از نهادهای رفاهی، آموزشی، انتظامی و مدیریت - ستادی سپرده‌اند. (نیازپور، ۱۳۸۵، ص ۶۹) در سیاست جنایی فقط دستگاه‌های عدالت کیفری نیستند که نقش ایفا می‌کنند. سیاست جنایی به پاسخ‌های معقول می‌اندیشد و این پاسخ‌ها می‌تواند کیفری یا غیرکیفری باشد. قانون جدید حمایت از اطفال و نوجوانان به این موضوع توجه داشته است که باید مراجع دیگری غیر از نهادهای عدالت کیفری را درگیر حمایت از اطفال و نوجوانان کند. این قانون برخلاف قانون قبلی، اختیارات گسترده‌ای را برای مراجع غیرقضائی یعنی سازمان بهزیستی و نیز سازمان‌های غیردولتی که در حوزه حقوق کودکان فعال هستند در نظر گرفته است. (مهدوی ثابت، عبداللهی، ۱۳۹۸، ص ۱۲) فرآیند تربیت و یا حمایت از اطفال و نوجوانان کاملاً پیچیده و چند بعدی است. طفل یا نوجوان تحت تاثیر عواملی همچون خانواده، مدرسه، گروه همسالان، اجتماع، محیط کار، رسانه‌ها و... قرار دارد و این عوامل در زمینه‌ی شکل‌گیری شخصیت طفل یا نوجوان تاثیر بسیار زیادی دارند. تمامی این محیط‌ها هر کدام نقشی را در تربیت اطفال و نوجوانان ایفا می‌کنند که باید ضمن وجود هماهنگی بین آنها، انجام وظایف به نحو احسن صورت پذیرد. ممکن است یک طفل یا نوجوان در محیط خانواده و مدرسه تحت تاثیر تربیت صحیحی قرار بگیرد و در این دو فضا مشکل خاصی او را تهدید نکند ولی در مقابل از رسانه‌ها تاثیر پذیرد و در شکل‌گیری شخصیت او اختلال ایجاد شود. لازم است تمامی دستگاه‌های مرتبط با تربیت دانش‌آموزان شناسایی شوند و بین آنها یک هماهنگی وجود داشته باشد. این هماهنگی را قانون می‌تواند ایجاد کند. به همین دلیل در قانون پیشگیری از جرم هر یک از قوا موظف شدند با استفاده از

ساز و کارها و ساختارهای خود نسبت به تحقیق و مطالعه درباره علل وقوع جرم و راه‌های پیشگیری از آن اقدام نمایند. یعنی فرآیند پیشگیری از جرم که دارای رویکرد حمایتی نیز می‌تواند باشد امری ملی است که تمام نهادهای مرتبط باید در آن درگیر شوند.

این موضوع در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان نیز پیش‌بینی شده است و به نهادهای مرتبط با اطفال و نوجوانان تکالیفی سپرده شده است. طبق قانون دفتر حمایت از اطفال و نوجوانان به منظور ایجاد زمینه‌های همکاری با سایر نهادها در قوه قضائیه تشکیل می‌شود و بین دستگاه‌های مختلف هماهنگی‌های لازم را انجام می‌دهد.

برای مثال سازمان بهزیستی، نیروی انتظامی، سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، وزارت کشور، سازمان ثبت احوال، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، وزارت آموزش و پرورش و سازمان صدا و سیما هر کدام تکالیفی برعهده دارند که لازم است نسبت به انجام تکالیف تصریح شده در

قانون حساسیت داشته باشند تا اهداف تعیین شده در زمینه‌ی حمایت از اطفال و نوجوانان محقق شود. بدیهی است در صورتی که حتی یک نهاد نسبت به انجام وظایف خود کوتاهی نماید فرآیند منظم و منسجم حمایت از اطفال و نوجوانان دچار اختلال می‌شود. برای مثال برای تمهید مقدمات ادامه‌ی تحصیل برای کودکان بازمانده از

تحصیل لازم است بین ثبت احوال و ادارات آموزش و پرورش و نیروی انتظامی (یا پلیس ویژه اطفال و نوجوانان) هماهنگی‌هایی وجود داشته باشد. همچنین صدا و سیما مکلف شده است که نسبت به جلوگیری از تولید، پخش یا تبلیغ هر برنامه یا محصول مضر به سلامت، تربیت، اخلاق یا سایر حقوق اطفال یا نوجوانان اقدام کند. غالب

نگرانی‌هایی که در مورد تلویزیون ابراز می‌گردد، درباره این احتمال است که نمایش مکرر خشونت در آن باعث افزایش و تشویق رفتار خشونت‌آمیز و سرمشق‌گیری از آن شده و بدین ترتیب موجب رواج خشونت می‌شود. (هاشم بیگی، نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۳، ص ۲۷۱) همچنین در سال ۲۰۰۳ تعدادی از برترین متخصصان خشونت رسانه‌ای

اینگونه نتیجه‌گیری کردند که بحث پیرامون این که آیا خشونت رسانه‌ای باعث افزایش پرخاشگری و خشونت می‌شود عملاً پایان یافته است. تجزیه و تحلیل تحقیق از ژانرهای متفاوت از جمله بازی‌های ویدیویی، تلویزیون، فیلم‌ها و موسیقی مشخص کرد که خشونت رسانه‌ای احتمال پرخاشگری و خشونت افراد را افزایش می‌دهد. (برزگر،

۱۳۹۷، ص ۱۶۸) و این در حالی است که بیشترین مخاطب تلویزیون را سنین نوجوانی و طفولیت تشکیل می‌دهند. سینما و تلویزیون از رایج‌ترین سرگرمی‌های نوجوانان می‌باشد زیرا در مواقع مختلف مانند تنهایی، بیکاری و یا با جمع دوستان می‌توانند از آنها استفاده کنند. معمولاً پسرها فیلم‌های حادثه‌ای، قهرمانی و جنگی را به انواع دیگر فیلم ترجیح می‌دهند. (صمدی، ۱۳۸۴، ص ۱۱۳) پس در تولید محتوا باید صدا و سیما با دریافت نظرات سایر ارگان‌های تربیتی و نظرات کارشناسی اقدام کند. در صورتی که هر کدام از این نهادها نسبت به انجام وظایف خود سهل‌انگاری کند نباید انتظار داشته باشیم که قانون حمایت از اطفال و نوجوانان بتواند رسالت اصلی خود را انجام دهد. همچنین تکلیف پاره‌ای از این نهادها به ارائه‌ی آموزش‌های مرتبط با حمایت از اطفال و نوجوانان می‌تواند قابل اتکا برای برنامه‌های پیشگیرانه و تدابیر غیرکیفری باشد. افزایش آگاهی‌ها باعث می‌شود که دستگاه عدالت کیفری در زمینه‌ی برخورد کیفری، هزینه و وقت کمتری را صرف کند. مردم اطلاعات زیادی در مورد برنامه پیشگیری از جرم ندارند، زیرا این برنامه فاقد رویت پذیری هستند که در مجازات‌ها وجود دارد. (مهدی زاده پایدار، عظیم زاده، ۱۳۹۶، ص ۱۰۶) بنابراین شایسته است در این زمینه تمامی ظرفیت‌های نهادهای نام برده شده در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان در جهت افزایش آگاهی‌های عمومی نسبت به پیشگیری از بزه‌دیدگی و بزهکاری اطفال و نوجوانان به کار گرفته شوند.

۲- نوآوری های شکلی قانون

قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ همراه با اصلاحات ۱۳۹۴ به عنوان یک قانون عام جهت رسیدگی به جرایم مورد استناد و اقدام محاکم قرار می‌گیرد. اما گاه طبیعت پاره‌ای از جرایم لازم می‌نماید که یک سیاست جنایی افتراقی به منظور دادرسی و رسیدگی به جرایم شکل گیرد. بزه‌دیدگی یا بزهکاری اطفال و نوجوانان نیز مشمول همین قاعده است. بر پایه قانون جدید حمایت از اطفال و نوجوانان و بر پایه ماده ۴۹ ترتیبات رسیدگی به جرائم موضوع قانون مذکور مطابق قوانین و مقررات عمومی خواهد بود اما علی‌رغم این ارجاع کلی، قانون‌گذار طی مواد ۲۸ الی ۴۸ ترتیبات خاصی را برای رسیدگی به جرایم ارتكابی اطفال و نوجوانان یا جرایم علیه ایشان

مقرر نموده است. هر چند بهتر می‌بود که قواعد شکلی از ماهوی جدا می‌شدند و قواعد شکلی در قالب فصلی جداگانه و در آیین دادرسی کیفری گنجانده می‌شدند اما به لحاظ اهمیت و جامعیت مقررات مربوط به حمایت از اطفال و نوجوانان، می‌توان گفت این شیوه قانون نویسی فاقد ایراد اساسی می‌باشد.

در این قانون مباحث کاملاً جدیدی در زمینه‌ی دادرسی و رسیدگی به جرایم ارتكابی علیه اطفال و نوجوانان تدوین شده است که در نوع خود بی‌سابقه می‌باشند. پیش‌تر قانون آیین دادرسی کیفری در زمینه‌ی افتراقی کردن دادرسی جرایم ارتكابی توسط اطفال و نوجوانان تدابیری را اتخاذ کرده بود. برای مثال تشکیل پلیس اطفال و نوجوانان در نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان و دادسرای ویژه‌ی نوجوانان، توسعه‌ی مصادیق تشکیل پرونده شخصیت در مورد اطفال و نوجوانان، پیش‌بینی مشاور در جلسات رسیدگی به جرایم ارتكابی اطفال و نوجوانان با حضور مشاوران تخصصی و... از جمله‌ی این اقدامات بودند. اما از آنجا که این تدابیر بیش‌تر در مورد اطفال و نوجوانان بزه‌کار پیش‌بینی شده بود ضرورت داشت که برای اطفال و نوجوانان بزه دیده نیز تدابیر حمایتی لازم اندیشیده شود. در قانون جدید حمایت از اطفال و نوجوانان در این زمینه مقررات قابل توجهی پیش‌بینی شده است.

۲-۱- افزایش جهات شروع به رسیدگی

در ماده ۶۴ جهات قانونی شروع به تعقیب ذکر شده اند. شکایت شاکی یا مدعی خصوصی، اعلام و اخبار ضابطان دادگستری، مقامات رسمی یا اشخاص موثق و مطمئن، وقوع جرم مشهود، در برابر دادستان یا بازپرس و اظهار و اقرار متهم از جمله‌ی این موارد هستند. اما در رابطه با گزارش بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان در قانون جدید حمایت از اطفال و نوجوانان دو روش دیگر نیز پیش‌بینی شده است. در یک مورد گزارش دادن تکلیفی برعهده‌ی افراد است و در دیگری این حق برای خود طفل یا نوجوان شناخته شده است که تقاضای رسیدگی به وضعیت خود را بنماید.

به موجب این قانون هر کس از وقوع جرم یا شروع به آن یا خطر شدید و قریب‌الوقوع علیه طفل یا نوجوانی مطلع بوده یا شاهد وقوع آن باشد و با وجود توانایی اعلام و گزارش به مقامات یا مراجع صلاحیتدار و کمک طلبیدن از آنها از این امر خودداری کند به یکی از مجازاتهای درجه شش قانون مجازات اسلامی محکوم میشود. قطعا قرار دادن ضمانت اجرای کیفری باعث می شود تا موارد گزارش دادن جرایم افزایش یابد و با افزایش گزارش بزه دیدگی نرخ سیاه جرایم علیه اطفال و نوجوانان کاهش می یابد. هم چنین در قانون سابق فقط گزارش موارد کودک آزاری الزامی بود اما در این قانون قبل از وقوع جرم و تحت شرایطی افراد تکلیف به گزارش دارند.

البته به لحاظ اهمیت حمایت از اطفال و نوجوانان قانون گذار افراد را مکلف کرده است که در صورت عدم دسترسی به مقامات و مراجع صالح جهت اعلام بزه دیدگی و یا عدم تأثیر دخالت آنها در رفع تجاوز و خطر، فرد مربوطه از اقدامات فوری و متناسب برای جلوگیری از وقوع خطر و یا تشدید نتیجه آن امتناع کند، (مشروط بر اینکه با این اقدام، خطری مشابه یا شدیدتر و یا خطر کمتر قابل توجهی متوجه خود او یا دیگران نشود) به مجازات اخیرالذکر محکوم میشود.

هم چنین به موجب ماده ۶۷ آیین دادرسی کیفری اصل بر این است که گزارشها و نامه‌هایی که هویت گزارش‌دهندگان و نویسندگان آنها مشخص نیست، نمی‌تواند مبنای شروع به تعقیب قرار گیرد مگر این که دارای شرایط مقرر در ماده باشد. اما در قانون جدید حمایت از اطفال و نوجوانان قانون گذار در مورد اطفال و نوجوانان با کمی انعطاف برخورد کرده است. بر پایه ماده ۳۰ گزارشها و درخواستهای مکتوب یا شفاهی که هویت گزارش‌دهندگان و نویسندگان آنها مشخص نیست ولی دارای قرائن معقول و متعارف باشد می تواند به عنوان مبنایی قانونی برای رسیدگی مورد توجه قرار گیرد.

در مواردی ممکن است جرایم علیه اطفال و نوجوانان در زمان یا مکانی صورت گیرد که هیچ کس دیگری غیر از مرتکب و طفل یا نوجوان در آن حضور ندارد. برای مثال در جرایم ضدعفت چنین حالتی متصور است. قانون گذار در چنین فرض هایی نیز تقاضای فرد قربانی جرم را حتی اگر بزه دیده طفل باشد به عنوان جهتی قانونی برای

شروع به رسیدگی ذکر کرده است. هرچند در مقررات طفل بالاخص طفل غیرمتمیز اهلیت اقامه ی دعوا ندارد اما در مورد بزه دیدگی اطفال و نوجوانان قانون گذار به قواعد حمایتی توجه داشته است و نسبت به اهلیت ایشان با تسامح برخورد کرده است.

۲-۲-تخصیص دادگاه برای رسیدگی به جرایم علیه اطفال و نوجوانان

تا قبل از تصویب قانون جدید حمایت از اطفال و نوجوانان جرایم علیه اطفال و نوجوانان از جمله کودک آزاری در دادگاه های عمومی رسیدگی می شدند. اما طبق ماده ۲۸ قانون جدید دادگاه های تخصصی در مورد این جرایم پیش بینی شده اند. رئیس قوه قضائیه به پیشنهاد رئیس کل دادگستری استان و به تناسب امکانات، ضرورت، تجربه، تبحر و سابقه قضات در هر حوزه قضائی شعبی از داسرا و دادگاه کیفری و دادگاه خانواده را جهت رسیدگی به جرائم و دعاوی موضوع این قانون اختصاص خواهد داد. این دادگاه ها تخصصی هستند و به جرایم علیه اطفال و نوجوانان رسیدگی می کنند. نکته ای که در این جا قابل ذکر است تفکیک بین دادگاه های تخصصی و اختصاصی است. دادگاه های اختصاصی فقط صلاحیت رسیدگی به جرایمی دارند که در قانون پیش بینی شده است اما دادگاه های تخصصی شعبی از دادگاه های عمومی می باشند که به جرایم خاصی رسیدگی می کنند. البته در دادگاه های تخصصی طرح سایر دعاوی نیز ممکن است. این تخصصی کردن هم شامل داسرا و دادگاه کیفری و هم شامل دادگاه خانواده می باشد. زیرا پاره ای از دعاوی مربوطه به اطفال و نوجوانان باید در دادگاه خانواده رسیدگی شود مانند سرپرستی و یا حکم حضانت. زیرا به موجب ماده ۲۹ رسیدگی به وضعیت مخاطره آمیز موضوع این قانون جز در مواردی که در صلاحیت دادگاه کیفری است در صلاحیت دادگاه خانواده می باشد. البته با توجه به نص ماده باید ضرورت و امکانات موردنیاز برای تشکیل دادگاه های تخصصی مورد نظر قرار گیرند و بعد از امکان سنجی توسط رییس کل دادگستری استان به رییس قوه قضائیه پیشنهاد شوند.

۲-۳-رسیدگی به بزه دیدگی اطفال و نوجوانان بزه کار

بر پایه ماده ۱۰۳ قانون مجازات اسلامی اصل بر غیرقابل گذشت بودن جرایم است و هر گاه در مورد قابل گذشت بودن یا غیرقابل گذشت بودن جرمی تردید داشتیم باید اصل را بر غیرقابل گذشت بودن جرایم بدانیم. بر پایه قانون آیین دادرسی کیفری در صورت قابل گذشت بودن جرمی تعقیب متهم فقط با شکایت شاکی شروع و در صورت گذشت او موقوف می شود. ماده ۳۱ قانون جدید حمایت از اطفال و نوجوانان نیز تمام جرائم موضوع قانون را دارای جنبه عمومی دانسته که بدون شکایت شاکی خصوصی قابل تعقیب می باشد و در صورت گذشت شاکی خصوصی نیز تعقیب موقوف نخواهد شد. با عنایت به این توضیحات به مقررره ای که هرچند می توانستیم بر پایه قواعد کلی جزایی آن را اجرا کنیم می پردازیم که مورد تصریح قانون گذار قرار گرفته است. طبق ماده ۴۹ در مواردی که طفل ناقض قوانین جزائی یا نوجوان بزه کار، بزه دیده نیز باشد، دادسرا یا دادگاه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان به جرائم ارتكابی علیه آنها نیز رسیدگی می کند. در این موارد لازم نیست که طفل یا نوجوان اقدام به طرح شکایت کند و حتی مرتکب بزه نیز موضوعیت ندارد. برای مثال در یک سرقت یا نزاع در صورتی که از طفل مرتکب یا نوجوان که مرتکب جرم شده است شکایتی مطرح شود و طفل یا نوجوان نیز به نوعی قربانی جرم (مانند ضرب و جرح) شده باشند دادگاه موظف است به جرایم علیه اطفال و نوجوانان نیز رسیدگی کند. مطابق ذیل ماده حتی در صورتی که طفل یا نوجوان قربانی جرم نشده باشد ولی احتمال بزه دیدگی او وجود داشته باشد واحد مددکاری مرجع قضائی مزبور در صورتی که طفل یا نوجوان را در معرض خطر تشخیص دهد، مکلف به اعلام موضوع به قاضی مربوط است.

نتیجه گیری

قانون حمایت از اطفال و نوجوانان گامی موثر در زمینه ی حمایت از یک قشر آسیب پذیر قلمداد می شود. اطفال و نوجوانان به لحاظ وضعیت خاص جسمی و روحی بسیار حساس می باشند و بیش ترین صدمه را از جرایم ، نسبت به سایر قربانیان جرایم می بینند. در قانون جدید وضعیت مخاطره آمیز طفل یا نوجوان در قالب مصادیقی فراگیر مورد توجه قرار گرفته است و اشخاص مربوطه را به انجام تکالیفی موظف کرده است.

الزامی کردن تحصیل تا پایان دوره دوم مقطع متوسطه ، منجر به حضور اطفال و نوجوانان در مدارس تا اخذ مدرک دیپلم می شود و نوجوانان می توانند در صورت ضعف در رشته های نظری و ترک تحصیل ، با اتخاذ تدابیر مناسب و حضور مجدد در مدارس از دروس مهارتی هنرستان ها بهره ببرند. در قانون جدید، هرگاه کسانی که وظیفه ی مراقبت و محافظت از اطفال و نوجوانان را بر عهده دارند ، در وظایف خود کوتاهی کنند و این کوتاهی منتج به آسیب شود علاوه بر پرداخت دیه به مجازات تعزیری نیز محکوم می شوند. بنابراین برخلاف سابق که این امر بیشتر رویکردی مبتنی بر مسئولیت مدنی (و احیانا انضباطی) داشت ، امروزه دارای جلوه هایی از مسئولیت کیفری نیز می باشد. هم چنین در قانون جدید فقط تکلیف به گزارش موارد کودک آزاری وجود ندارد. بلکه تحت شرایطی هرگاه احتمال وقوع خطری در مورد طفل یا نوجوان وجود داشته باشد افراد شناسایی شده در قانون ضمن انجام اقدامات اولیه باید به مراجع ذیصلاح گزارش های مربوطه را ارائه نمایند.

در قانون بین دستگاه هایی که به نوعی با اطفال و نوجوانان در ارتباط هستند تکالیفی مقرر شده است و دفتر حمایت از اطفال و نوجوانان نیز ایجاد هماهنگی بین دستگاه ها را برعهده گرفته است. حل مشکلات مربوط به اطفال فاقد مدارک هویتی نیز از جمله نقاط مثبت این قانون است. اطفال یا نوجوانان فاقد مدارک هویتی (اعم از ایرانی یا غیرایرانی) در زمینه ی دریافت بسیاری از خدمات دچار محدودیت هایی هستند که محدودیت در تحصیل مهم ترین آن است.

اما لازم است این قانون که فرصت های بسیار مناسبی در زمینه ی حمایت از اطفال و نوجوانان ایجاد کرده است به نحو مطلوب اجرا شود. صرف تصویب قانون گره گشا نیست و فقط با اجرای مفاد آن باید به کاهش مشکلات اطفال و نوجوانان امیدوار بود.

هم چنین لازم است این قانون که تکالیفی جدید را برای پاره ای از افراد ایجاد کرده است به نحو مطلوب آموزش داده شود تا با ایجاد آگاهی در هریک از افراد موضوع قانون ، اطفال و نوجوانان این مرزوبوم، به هرآنچه که استحقاق آن را دارند دست یازند.

منابع

- ابرندآبادی ، علی حسین و هاشم بیگی ، حمید ، دانشنامه جرم شناسی ، انتشارات گنج دانش ، چاپ سوم ، تهران ، ۱۳۹۳
- اردبیلی ، محمدعلی ، حقوق جزای عمومی ، نشر میزان ، جلد سوم ، چاپ سی و دوم ، تهران ، ۱۳۹۴
- بیگ زاده ، صفر ، شیوه نامه نگارش قانون ، دفتر مطالعات مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی ، چاپ سوم ، تهران ، ۱۳۸۷
- توجهی ، عبدالعلی ، سیاست جنایی حمایت از بزه دیدگان ، مجله مجتمعه آموزش عالی قم ، سال اول ، شماره چهارم ، ۱۳۸۷
- جفری کاتلر و الن کاتلر ، ، حیدر ، مهارت های مشاوره ای برای معلمان ، ترجمه : محمدی باغملائی ، نشر ورای دانش ، چاپ سوم ، تهران ، ۱۳۸۶
- چاووشی ، محمد صادق و کرامتی معز ، هادی ، پیشگیری از بزه دیدگی اطفال در آموزه های قرآنی ، فصلنامه مطالعات قرآنی ، شماره ۳۵ ، ۱۳۷۹
- رجبی پور ، محمود ، بزه کاری دانش آموزان و امکان پیشگیری اجتماعی رشدمدار ، فصلنامه دانش اجتماعی ، شماره ۳۹ ، ۱۳۸۷

- سادات ، محمدعلی ، شیوه های برخورد با کودکان ، دفتر نشر فرهنگ اسلامی ، جلد ۲ ، چاپ اول ، تهران ،
۱۳۷۲

- سلیمانی پورلک ، مرتضی و حسین پور ، علی ، کارکردهای آموزش و پرورش در پیشگیری از جرم ، فصلنامه
علمی مطالعات پیشگیری از جرم ، سال دهم ، شماره ۳۶ ، ۱۳۹۶

- صمدی ، فرزانه ، بلوغ و دگرگونی های آن ، انتشارات ایران نگین ، چاپ چهاردهم ، تهران ، ۱۳۸۴
- غلامی ، حسین ، تکرار جرم (بررسی حقوقی - جرم شناختی تکرار جرم) ، نشر میزان ، چاپ سوم ، تهران ،
۱۳۹۲

- فرقانی ، منصور ، مبانی فقهی و حقوقی جرایم و تادیب کودک ، انتشارات سازمان انجمن اولیاء مربیان ، چاپ
اول ، تهران ، ۱۳۷۹

- کارن دیل ، ریکارد ردینگ ، پیتر اسمیت ، ری سورت ، پیشگیری از خشونت مرگبار در مدارس ، ترجمه مهدی
برزگر ، فصلنامه علمی مطالعات پیشگیری از جرم ، سال سیزدهم ، شماره ۴۸ ، ۱۳۹۷

- کی نیا ، مهدی ، مبانی جرم شناسی ، انتشارات دانشگاه تهران ، جلد اول ، چاپ نهم ، تهران ، ۱۳۸۶
- موسوی چلک ، حسن ، نقش آموزش و پرورش در پیشگیری از آسیب های اجتماعی ، مجله برنامه ، شماره ۱۷۴
، ۱۳۸۵ ،

- مهدوی ثابت ، محمدعلی و عبداللهی ، سامان ، سیاست جنایی پیشگیرانه در قبال خشونت علیه اطفال ، فصلنامه
علمی مطالعات پیشگیری از جرم ، سال چهاردهم ، شماره ۵۱ ، ۱۳۹۸

- مهدی زاده پایدار ، هانیه و عظیم زاده ، شادی ، واکاوی افکار عمومی نسبت به پیشگیری از جرم ، فصلنامه -
علمی مطالعات پیشگیری از جرم ، سال دوازدهم ، شماره ۴۴ ، ۱۳۹۶

- نیازپور ، امیرحسن ، نقش دستگاه های دولتی ایران در زمینه ی پیشگیری از بزه کاری ، مجله حقوق و الهیات
، شماره ۲۰ ، ۱۳۸۵

